

گونه‌شناسی و مدل‌یابی تشبیهات و مثل‌های قرآنی و دلالت‌های تربیتی

آن برای تدریس دروس ادبی

مهدیه کشانی^۱ (استادیار دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران)باذر کافی موسوی*^۲ (استادیار دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران)DOI: [10.22034/jilr.2024.141018.1156](https://doi.org/10.22034/jilr.2024.141018.1156)

تاریخ الوصول: ۲۰۲۴/۰۴/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۳

تاریخ القبول: ۲۰۲۴/۰۶/۲۳

صفحات: ۲۱۹-۲۳۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

چکیده

نگاه به دروس تخصصی در راستای خلق موقعیت‌های تربیتی، رویکردی است که همیشه در محافل تربیتی مورد تأیید و استقبال بوده است. در همین راستا، هدف پژوهش حاضر، شناخت گونه‌های مثل‌ها و تشبیهات قرآنی جهت استخراج مدل توصیفی آن‌ها و دریافت دلالت‌های مرتبط تربیتی برای دروس ادبی می‌باشد. برای دستیابی به این منظور و به دلیل چندوجهی بودن مقاله حاضر، روش پژوهش ترکیبی از مراحل پدیدارشناسی توصیفی در مرحله رجوع به آیات قرآن، تحلیل و کدگذاری داده‌ها به شیوه استراتژی داده‌بنیاد با نرم‌افزار MAXQDA در سه بخش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی و روش استنتاج از مبانی در بخش دلالت‌های تربیتی برای دروس تخصصی است. محققان ابتدا خوانشی کامل از کلیه آیات قرآن داشته و سپس داده‌های مستخرج را کدگذاری، دسته‌بندی و گونه‌شناسی نموده و مدل نهایی استخراج‌شده را جهت استنباط دلالت‌های تربیتی، مورد استناد قرار داده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که ۱۱۲ کد باز در رابطه با مثل‌ها و تشبیهات در آیات قرآن وجود دارد که در قالب ۴ کد انتخابی انسان، علمی، اعتقادی و قیامت دسته‌بندی شده‌اند. فراتحلیل تربیتی کدها اشاره به تربیت از طریق عناصر ادبی، رعایت اصول ادبی در تربیت، پرورش بُعد خیال و محافظت از آن از طریق مراحل قبل، توجه به تربیت تمام‌ساحتی از شاه‌راه هنر و ادب و در نهایت، تربیت در جهت امور ماورایی و معنایی و متعالی از مسیر کلاس‌های ادبی دارد.

کلیدواژه: گونه‌شناسی، مدل‌یابی، مثل قرآنی، تشبیهات، دلالت‌های تربیتی، دروس ادبی

^۱ پست الکترونیک: m.keshani@cfu.ac.ir

^۲ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: a.kafi@cfu.ac.ir

تصنيف و نموذج الأمثال القرآنية وانعكاساتها التربوية على تعليم الدروس الأدبية

الملخص

إن النظر إلى الدورات المتخصصة من أجل خلق مواقف تعليمية هو نهج تمت الموافقة عليه و الترحيب به دائماً في الأوساط التعليمية. و في هذا الصدد يهدف البحث الحالي إلى معرفة أنواع التشبيهات القرآنية من أجل استخراج نموذجها الوصفي والحصول على الدلالات التعليمية ذات الصلة بالمقررات الأدبية. ولتحقيق هذا الغرض ونظراً لتعدد أوجه المقال الحالي، فإن منهج البحث عبارة عن مزيج من المراحل الوصفية الظاهرية في مرحلة الإشارة إلى الآيات القرآنية وتحليل البيانات و ترميزها باستخدام أسلوب استراتيجية قاعدة البيانات مع MAXQDA البرمجيات في ثلاثة أجزاء: الترميز المفتوح، الترميز المحوري، الترميز الانتقائي وطريقة الاستدلال من الأساسيات في قسم المؤثرات التعليمية للمقررات المتخصصة. قام الباحثون أولاً بقراءة كاملة لجميع آيات القرآن الكريم ثم قاموا بترميز البيانات المستخرجة وتصنيفها وتصنيفها واستخدام النموذج النهائي المستخرج لاستنتاج الدلالات التعليمية. وتشير نتائج البحث إلى وجود ١١٢ رمزا مفتوحا تتعلق بالأمثال والأمثال في آيات القرآن الكريم، مصنفة على شكل ٤ رموز اختيارية: بشرية، علمية، دينية، وبعثية. ويشير التحليل التربوي للرموز إلى التعليم من خلال العناصر الأدبية، ومراعاة المبادئ الأدبية في التعليم، و رعاية البعد الخيالي و حمايته خلال المراحل السابقة، والاهتمام بالتعليم الشامل من طريق الفن والأدب، و أخيراً التعليم في اتجاه الأمور المتعالية والمهادفة و له دروس أدبية متميزة.

الكلمات المفتاحية: التصنيف، النموذج، الأمثال القرآنية، التشبيهات، الدلالات التربوية، الدروس الأدبية

مقدمه و بیان مسئله

تشبیه در لغت به معنای تمثیل (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج: ۷، ۲۳) و در اصطلاح، برقرار کردن مماثلت بین دو شیء یا بیشتر به وسیله ادات تشبیه است که اشتراک آن‌ها در یک صفت یا بیشتر قصد شده باشد (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۹۹). اگر وجه شبه در تشبیه، صفتی غیر حقیقی باشد و از امور مختلف انتزاع شده باشد تمثیلی خوانده می‌شود؛ مانند تشبیه انسان به ماه در سرعت فنا که از حالات مختلف آن [هلال، بدر و محاق] انتزاع شده است و اگر وجه شبه از امور مختلف انتزاع نشده باشد آن را غیر تمثیلی گویند؛ مانند تشبیه صورت به بدر (همان: ۲۰۰). در مقاله حاضر از آیاتی استفاده شده است که در آن، ادات تشبیه و یا کلمه «مثل» به کار رفته یا مواردی که از نظر علم بلاغت تشبیه محسوب می‌شود.

گونه‌شناسی (سنخ‌شناسی) به‌عنوان روشی که در نظریه‌پردازی‌ها و تحقیق‌های برخی اندیشمندان مطرح علوم اجتماعی به کار رفته است، در کنار دیگر انواع روش‌های طبقه‌بندی، خود می‌تواند به‌مثابه روشی برای تبیین و تولید مفاهیم در تحقیقات نظری و حتی کاربردی استفاده شود (لطیفی، ۱۳۹۷: ۲۵). گونه‌شناسی عناصر طبیعی، اشاره به عملکردی دارد که در ضمن آن؛ ابعاد و شاخه‌های عناصر طبیعی در قرآن، شناسایی می‌شود. سپس هر بخش در قالب یک عبارت توصیف‌گر کلی، دسته‌بندی می‌گردد و به عبارتی، سنخ‌شناسی می‌شود. ضرورت سنخ‌شناسی در مباحث نظری از آن جهت است که می‌تواند دیدی کلی و همه‌جانبه از ابعاد موضوع نظری برای محقق فراهم آورد و در مرحله بعد، تحلیل ابعاد نظری را آسان‌تر نماید.

در بُعدی دیگر، اهمیت عمده مدل‌سازی نمادین در دستیابی شگرف و تأثیر روانی آن نهفته است. انسان‌ها ظرفیت یادگیری پیشرفته‌ای را برای یادگیری مشاهده‌ای ایجاد کرده‌اند که به آن‌ها امکان می‌دهد دانش و مهارت‌های خود را به‌سرعت از طریق اطلاعات منتقل شده توسط انواع غنی از مدل‌ها گسترش دهند. در واقع، تقریباً همه‌ی یادگیری‌های رفتاری، شناختی و عاطفی از تجربه مستقیم با مشاهده اقدامات افراد و پیامدهای آن، برای آن‌ها حاصل می‌شود (بندورا^۱، ۱۹۸۶). بیشتر یادگیری‌ها چه از لحاظ طراحی و چه ناخواسته، از مدل‌های موجود در محیط فوری فرد، اتفاق می‌افتد. با این حال، اطلاعات گسترده‌ای در مورد ارزش‌های انسانی، سبک‌های تفکر و الگوهای رفتاری از مدل‌سازی گسترده در محیط نمادین حاصل می‌شود. برخلاف یادگیری عملی که نیاز به تغییر اعمال هر فرد از طریق تجربیات مکرر آزمایشی و خطا دارد، در یادگیری مشاهده‌ای یک مدل واحد می‌تواند روش‌های جدید تفکر و رفتار را هم‌زمان به افراد بی‌شماری در مناطق مختلف منتقل کند. جنبه دیگری از مدل‌سازی نمادین وجود دارد که تأثیر روانی و اجتماعی آن را بزرگ می‌کند (آبز و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۶). همین تأثیر شگرف مدل‌سازی بر عملکرد یادگیری و رفتاری انسان‌ها،

ضرورت اهمیت به موضوع مدل‌سازی در مباحث تربیتی را روشن می‌سازد. در تحقیق حاضر، مدل‌یابی به معنای استخراج یافته‌های توصیفی از قرآن برای گونه‌های مختلف تشبیهات و مثل‌های قرآنی و کشف ابعاد توصیفی هر گونه و دسته می‌باشد؛ موضوعی که به محققان در راستای تحلیل ارزش‌گذاری داده‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها کمک می‌نماید.

در سال‌های اخیر، نگاه به تربیت همه‌جانبه و تمام‌ساحتی در تمامی دروس، از جمله دروس ادبی مورد توجه قرار گرفته است (حسنی و صادق‌زاده قمصری، ۱۴۰۰: ۴۵). نقطه ثقل این نگاه با منظرگاه قرآن در داشتن رویکردی است که در آیات مربوط به مثل‌ها و تشبیهات قرآنی به‌وضوح دیده می‌شود. به عبارتی، در نگاه قرآنی ورود به مثل‌ها و تشبیهات و ابعاد آن، تنها برای اهداف لفظی و معنایی نبوده و رشد تربیتی، هدف نهایی حرکت تمثیلات و تشبیهات قرآنی می‌باشد. سیوطی در کتاب الاتقان در مورد تفاوت امثال و تشبیهات قرآنی می‌گوید: امثال، تصور معانی به‌صورت اشخاص (منظور صورت‌های محسوس) است. چراکه آن‌ها به خاطر استعانت ذهن در آن‌ها از حواس، در ذهن ماندگارترند. از این‌رو، غرض از مثل، تشبیه پنهان به آشکار و غایب از نظر، به قابل مشاهده است (سیوطی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۱۱۹). گرچه تشبیهات و مثل‌های قرآنی، یک الگوی کلی دارد؛ اما مثل‌ها، بسط داده شده تشبیهات در قالب داستان‌واره‌های کوتاه می‌باشند. فارغ از قالب ظاهر مثل و تشبیه، عناصر ادبی در قرآن، پلی برای رسیدن به توحید است و تربیت، مسیر و گذرگاه آن می‌باشد. برای همین منظور، لازم است ابتدا به این موضوع پرداخته شود که قرآن از گذرگاه کدام عناصر و گونه‌های ادبی، مسیر تربیت را اتخاذ نموده و در مرحله بعد از چه سبک و سیاقی برای این منظور استفاده نموده است. توجه به این موضوعات می‌تواند در راستای استخراج دلالت‌های تربیتی برای دروس ادبی در نظام‌های آموزشی مؤثر واقع شود.

با توجه به مقدمات فوق، می‌توان در باب ضرورت سنجی نوشتار حاضر، به موارد زیر اشاره نمود: گونه‌شناسی مثل و تشبیه از منظر قرآن، باب مهمی در زمینه شناخت ابعاد و طبقه‌بندی عناصر ادبی باز می‌کند که می‌تواند گستره نگاه دینی را در زمینه موضوعات تخصصی گسترش دهد. در گام دوم، توصیف گونه‌های استخراج شده از منظر قرآن می‌تواند در دست‌یابی به مدل کامل تبیین تمسک قرآن به عناصر ادبی در راستای تربیت، گامی مهم محسوب شود و توجه دین به جزئیات گونه‌های ادبی که نگاه تربیتی انسان‌ها بدان توجه ندارد، مشخص نماید. در گام سوم توجه به دلالت‌های تربیتی منبعت از عناصر ادبی در قرآن و تبلیغ و توسعه آن در دروس مرتبط، یقیناً در بیدار نمودن و تقویت گرایش‌های دینی گروه‌های برون دینی و درون دینی مؤثر است و در گام چهارم برنامه‌ریزی جهت ورود چنین نگاهی به محتوای کتب درسی آموزش و پرورش و دانشگاه، می‌تواند نویدبخش تربیتی عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر در نظام الگوهای آموزشی باشد.

اهداف و سؤالات پژوهش

پژوهش حاضر سعی دارد در نگاهی جامع به تمام آیات قرآن، گونه‌های مثل و تشبیه در قرآن را شناسایی کرده و مدل توصیفی هرگونه را استخراج نموده و با استنباط دلالت‌های تربیتی، گامی در جهت غنابخشی و همه‌جانبه‌نگری در روندهای تربیتی فراهم نماید. با این توصیف سؤالات پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشد:

۱. گونه‌ها و دسته‌بندی‌های مثل‌ها و تشبیهات در آیات قرآن چگونه است؟
۲. مدل نهایی برای هر گونه مثل و تشبیه در قرآن به چه شکل است؟
۳. دلالت‌های ادبی و تربیتی مستخرج از تبیین عناصر ادبی (مثل و تشبیه) در قرآن برای دروس تخصصی چیست؟

پیشینه‌ی پژوهش

مطالعه در باب عناصر ادبی و لفظی قرآنی، همیشه مورد توجه پژوهشگران و نویسندگان بوده و هست. منتها نگاه به مثل‌ها و تشبیهات در قالب گونه‌شناسی و مدل‌یابی آن و استنباط دلالت‌های تربیتی جهت دروس ادبی، رویکردی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به این موضوع و پس از بررسی پیشینه پژوهش، می‌توان به تألیفات زیر که ارتباط مستقیم‌تری با موضوع تحقیق حاضر دارد، اشاره نمود:

منابع داخلی

زارع خورمیزی و امیدی فرد (۱۴۰۱)، در مقاله‌ی «بررسی تربیتی تشبیهات قرآنی با محوریت گیاه و انسان» بیان نموده‌اند که مثال‌های قرآن را به علت داشتن زمینه تفکر آن‌ها نباید ساده گرفت و سه اصل تبیین، تمثیل و نتیجه‌گیری در تعلیم و تربیت و استفاده از امور محسوس و قابل‌درک برای بشر، جهت تبیین معارف عالی، به‌عنوان یکی از روش‌های هدایتی مثل‌ها می‌باشد. حسینی و دوستکان (۱۴۰۱) در مقاله‌ی «پژوهشی در تقابل مثل‌های رایج عصر حاضر با قرآن کریم» به بررسی و تبیین تقابل مبانی و مثل‌های قرآنی با مثل‌های رایج عصر حاضر پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بخشی از مثل‌های رایج عصر حاضر در حوزه فکری و رفتاری با مبانی قرآنی منافات دارد. زارعی رضایی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ی «تبیین تربیتی مثل‌های قرآنی» بیان می‌دارد که مثل‌های قرآنی دارای مفاهیم عمیق تربیتی در راستای تعالی روح، ترسیم و تبیین تربیتی عالم ملکوت و ترسیم و تقریب ذهن ناسوتیان می‌باشد. النحلوی (۱۳۹۴) در کتاب «مثل‌های قرآنی با رویکرد تربیتی»، ابتدا مراحل کاربرد مثل در قرآن را دسته‌بندی نموده که شامل بیان مثل، تطبیق دادن مثل با ممثل‌له و توضیح‌دادن هدف می‌باشد. سپس تأکید می‌کند بر این که مثل‌های قرآنی در راستای اهداف تربیت توحیدی، اخلاقی و روحی و روانی می‌باشد.

منابع خارجی

صدیق و ندیم (۲۰۲۴) در مقاله «بلاغت قرآن و شعر فرزدق» بیان می‌کنند که استعاره، تشبیه و بلاغات قرآنی بر اشعار فرزدق که از شاعران مشهور عرب عصر اموی است بسیار تأثیر گذاشته است. عبدالرحمن و محمدرسلی (۲۰۲۲) در مقاله‌ی «مروری بر ادبیات نظام‌مند: تحلیلی بر چهره‌های بلاغی ایجاز و کلام قرآن» بیان داشته‌اند در میان دانشمندان مسلمان درباره عناصر اعجاز قرآن یا تقلیدناپذیری قرآن، به‌ویژه ایجاز بیانی که جنبه‌های زبانی را بررسی می‌کند، بحث‌های زیادی وجود داشته است. اکثر محققان تحقیقات خود را بر جنبه‌های خاص علم البیان، مانند استعاره، تشبیه، کنایه و سایر موضوعات مرتبط متمرکز کردند. مصطفی (۲۰۲۲) در مقاله‌ی «تأثیر ادبی قرآن کریم» بیان می‌کند قرآن راهنمای ادبی منحصر به فرد و مرجع زبانی زبان و ادبیات عرب می‌باشد. تحت تأثیر ادبی قرآن؛ استاندارد آکادمیک زبان و ادبیات عرب از قرن سوم هجری تکامل یافته است. ولی پورقراقه و جولابی (۲۰۲۰) در مقاله «خولندن داستان‌های قرآن با رویکرد اصطلاحی ادبیات داستانی» بیان می‌کنند قرآن علاوه بر جنبه مستقیم بودن، از قالب داستان نیز بهره برده است البته نمی‌توان آن را با ادبیات بشری مقایسه کرد. ورنگ و جمدقی (۲۰۱۸) در مقاله «آیات قرآنی و تمثیل عرفانی» بیان می‌کنند کاربرد تمثیل در متون دینی جدی است. اگرچه آشکارا طرفداران عقل، کاربرد پارادایم و تشبیه را جدی نمی‌گیرند. تمثیل به معنای عام مترادف با تشبیه است و هر معنایی که مقصود قیاس باشد نیز مقصود قیاس است. عرفای مسلمان سعی می‌کنند پیام خود را به زبانی بیان کنند که نویسندگان را به خود جذب کند، یعنی زبانی پر از تشبیه.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد نوشتار حاضر در بخش‌های زیر رویکرد و نگاه نوآورانه داشته است: توجه به گونه‌شناسی تشبیه و مثل از منظر قرآن در بررسی جامع و همه‌جانبه در رجوع به تمامی آیات. دست‌یابی به مدل‌یابی توصیفی گونه‌های مثل‌ها و تشبیهات از منظر قرآن و اشاره به تمامی عبارت‌های توصیفی هرگونه؛ و در نهایت، استنباط دلالت‌های تربیتی برای دروس ادبی جهت غنابخشی به روندهای تربیتی تمام‌ساحتی در نظام‌های آموزشی.

روش پژوهش

تحقیق حاضر با توجه به چندوجهی بودن آن، ترکیبی از روش‌های کیفی جمع‌آوری، تحلیل و کدگذاری داده‌ها را به کار گرفته است. در بخش نخست از روش پدیدارشناسی توصیفی برای رجوع به آیات قرآن کریم استفاده شده است. پدیدارشناسی، یک رویکرد پژوهش کیفی است که در پی شناسایی معنای ذاتی و تغییرناپذیر مسئله‌ی تحت بررسی می‌باشد (چان، فانگ و چین^۱: ۲۰۱۳ به نقل از

لانگدریج (۲۰۰۷). مراحل این روش عبارت‌اند از: ۱. طرح سؤال پژوهشی بر اساس الگوی «وجود ذاتی پدیده چیست؟» ۲. نمونه‌گیری هدفمند ۳. جمع‌آوری داده‌ها ۴. تحلیل داده‌ها (عابدی، ۱۳۸۹). البته این مراحل، سیر خطی ندارند و به صورت رفت و برگشتی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

بر اساس مراحل فوق، ابتدا یک سؤال پژوهشی با این مضمون طرح شد که: ۱. «گونه‌های مثل‌ها و تشبیهات در قرآن چیست و توصیفات مربوط به هر گونه چه می‌باشد؟» ۲. نمونه‌گیری هدفمند که تا اشباع نظری مقولات ادامه داشته و در طرح تحقیقی حاضر سبب خوانش کل آیات قرآن کریم گردید. ۳. در مرحله سوم، جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به متن قرآن انجام گرفت. ۴. در مرحله چهارم، داده‌های به دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار MAXQDAY نسخه ۳-۱۲ PORO مورد تحلیل قرار گرفت. این شیوه در گذشته به صورت کاملاً سنتی و دستی انجام می‌شد، اما در این پژوهش راهبرد پدیدارشناسی توصیفی در سه بخش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد.

در بخش کدگذاری باز ۱۱۲ کد اولیه به دست آمد. در این شیوه ابتدا رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف اختصاص می‌یابد که به آن، کدهای اولیه گفته می‌شود. آیات استخراج‌شده، همان دسته‌بندی کدهای اولیه است که با هم ارتباط دارند، اما این دسته‌بندی به دو صورت انجام می‌شود. اول: چند کد اولیه در یک دسته قرار می‌گیرند و یک نام جدید می‌گیرند. دوم: چند کد اولیه زیرمجموعه یک کد دیگر قرار می‌گیرند که آن‌ها را در بردارند؛ بنابراین مجموعه مختلفی از کدهای در کنار هم مقوله اصلی یا مقولات فرعی را تشکیل می‌دهند که به این بخش، کدگذاری باز گفته می‌شود. سپس کدگذاری محوری باید صورت گیرد.

در واقع، کد محوری نقش سازه را در تحقیقات بازی می‌کند و با توجه به نظر چارمز^۲ (۲۱۱۳) کد محوری عبارت است از مجموعه‌ای از مقولات که با یکدیگر رابطه دارند و زیرمجموعه یک نام جدید یا زیرمجموعه یک مقوله کلی تر هستند. در ادامه، نرم‌افزار مذکور با یافتن پیوندهای میان مقولات به رمزگذاری محوری اقدام می‌کند و در نهایت، فرضیه‌ها در قالب همین مقوله‌ها تعیین می‌شوند که به آن، کدگذاری انتخابی می‌گویند. در واقع، با رمزگذاری انتخابی، مقوله‌ها پالایش می‌شوند و با طی این فرایندها در نهایت، چارچوب نظری پدیدار می‌شود (کوربین و استراوس^۳، ۱۹۹۰: ۱۲). در مرحله کدگذاری انتخابی، گونه‌های اصلی انسان، علمی، اعتقادی و قیامت به دست آمد. در مرحله آخر، مطالعه تطبیقی کدهای محوری و باز به استخراج تحلیل‌های ادبی و فراتحلیل‌های تربیتی برای دروس ادبی منجر شد.

یافته‌های آماری و توصیفی تحقیق

در تحقیق حاضر، ۱۱۲ کد باز استخراج شده از قرآن در قالب جداول و نمودارهای تصویری با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا، ارائه شده است. این شیوه کدگذاری و نمودارسازی، فهم مطالب و گونه‌ها را برای محققین راحت‌تر می‌نماید. در ادامه داده‌های کدگذاری شده توسط محققین، در قالب سه جدول و دو نمودار تصویری ارائه شده است:

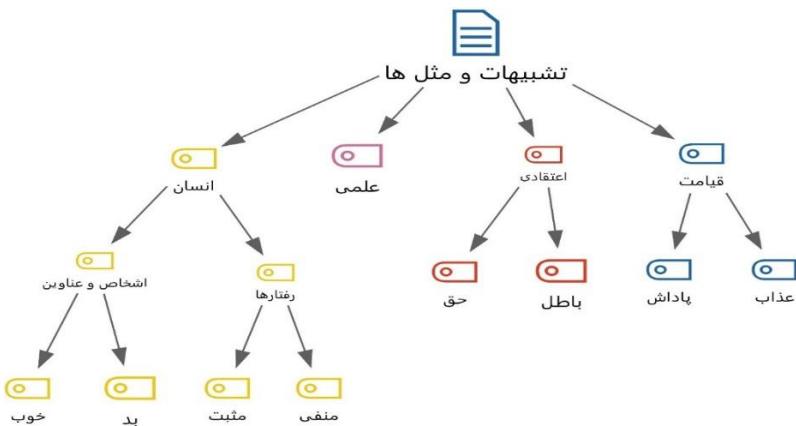
جدول شماره ۱: جدول ماتریکس کدهای انتخابی و محوری

جدول شماره ۲: جدول درصدی کدهای انتخابی و محوری

رنگ	کد	درصد
●	انسان	1.79
●	اشخاص و عناوین	0.00
●	خوب	5.36
●	بد	22.32
●	رفتارها	0.00
●	مثبت	3.57
●	منفی	7.14
●	علمی	13.39
●	اعتقادی	0.00
●	حق	8.93
●	باطل	13.39
●	قیامت	6.25
●	پاداش	5.36
●	عذاب	12.50

Code System	
انسان	
اشخاص و عناوین	
خوب	
بد	
رفتارها	
مثبت	
منفی	
علمی	
اعتقادی	
حق	
باطل	
قیامت	
پاداش	
عذاب	

نمودار شماره ۱: خروجی Max map کدهای انتخابی و محوری بر اساس فراوانی



نمودار ۲: خروجی ابر کلمات کدهای باز

<p>اعمال کافران، مانند سرابی در کویر(نور/۳۹)؛ کافران در عدم پذیرش حق(بقره/۱۷۱)؛ تکذیب کنندگان آیات الهی(انعام/۳۹)؛ و منافق رها شده در ظلمت و گمراهی، به سان شخص کر و لال و نابینا(بقره/۱۸۱ و ۱۷)؛ عدم انعطاف منافقان در برابر حق، همچون چوب خشک تکیه داده شده بر دیوار(منافقون/۱ و ۴)؛ ترس منافقان به هنگام جنگ، مانند محاضر(احزاب/۱۹)؛ شدت جهالت و تحیر منافقان، همچون شخص گرفتار در باران شدید در شب ظلمانی، همراه با رعدوبرق(بقره/۱۹)؛ بی هدف بودن مرتد، مانند انسان سرگردان در بیابان(انعام/۷۱)؛ قساوت قلب بنی اسرائیل، به سان سنگ و سخت تر از آن(بقره/۷۴)؛ انسان بخیل، همانند انسانی دست بسته به گردن(اسرا/۲۹)؛ اسراف کاران به برادران شیطان(اسرا/۲۷)؛</p>		
<p>مثبت: تشبیه یاری جستن از دیگران، به بازو(کهف/۵۱)؛ پاداش انفاق خالصانه، مانند بذر رویاننده هفت خوشه دارای صد دانه(بقره/۲۶۱)؛ رشد و بالندگی انفاق برای رضای خدا، همچون میوه دهی باغ سرسبز بر روی تپه، در پی باران مناسب(بقره/۲۶۵)؛ سخن پاک، همچون درخت پاک، ریشه دار با شاخه های برافراشته به سوی آسمان(ابراهیم/۲۴).</p> <p>منفی: بی بنیاد بودن دوستی با غیر خدا، مانند سستی خانه عنکبوت(عنکبوت/۴۱)؛ بی اثر بودن انفاق با منت و آزار، مانند زراعت بر روی سنگ صاف با خاک کم بر روی آن و آسیب پذیر در برابر رگبار باران(بقره/۲۶۴)؛ انفاق ریایی در بی ثمری و حسرت آفرینی، همچون باغ میوه سوخته پیرمرد، صاحب فرزندان کوچک و متعدّد(بقره/۲۶۶)؛ اموال انفاق شده به دست کافران، مانند باد سرد سوزان و نابودکننده زراعت قوم ستمکار(آل عمران/۱۱۶ و ۱۱۷)؛ خوردن مال یتیم، مانند خوردن آتش سوزان(نسا/۱۰)؛ سخن ناپاک، مانند درخت ناپاک کننده شده از زمین(ابراهیم/۲۶)؛ عهد شکنی، همچون گسستن رشته بافته شده(نحل/۹۲)؛ غیبت مانند خوردن گوشت برادر مرده(حجرات/۱۲).</p>	<p>رفتارها</p>	
<p>آسمان، همانند سقفی برافراشته(بقره/۲۲)؛ موج متلاطم دریا، مانند ابر سایه افکن(لقمان/۳۲)؛ زمین همچون بستر(بقره/۲۲)؛ زمین، همچون گهواره(نبأ/۶)؛ زمین چون فرش(نوح/۱۹)؛ خورشید به چراغ(نوح/۱۶)؛ ستارگان به چراغ(ملک/۶)؛ کشتی های بزرگ شناور در دریا، مانند کوه(شوری/۳۲)؛ شب به لباس(فرقان/۴۷)؛ کوه های زمین، مانند میخ(نبأ/۶ و ۷)؛ کوه به لنگر(نازعات/۳۲)؛ هلال شب اول ماه، مانند شاخه کهنه نخل خشکیده(یس/۳۹)؛ زنان به کشتزار(بقره/۲۲۳)؛ امر ناچیز به نخ هسته خرما یا پوسته هسته خرما(اسرا/۷۱ و فاطر/۱۳)؛ امر ناچیز به دانه خردل(لقمان/۱۶).</p>		<p>۲. علمی</p>
<p>قرآن به نور(شوری/۵۲)؛ نفوذ قرآن در دل مؤمنان، مانند متلاشی شدن و تکان خوردن کوه ها، در صورت نزول قرآن بر آن ها(حشر/۲۱)؛ ایمان، مانند درخت</p>	<p>حق</p>	<p>۳. اعتقادی</p>

<p>پاک(ابراهیم/۲۴)؛ ایمان، چون سایه آرام‌بخش و فرح‌زا(فاطر/۲۱)؛ ایمان به حیات(فاطر/۲۲)؛ ایمان، همچون نور روشنایی‌بخش(رعد/۱۶)؛ ثبات و سودمندی حق، مانند ثبات و سودمندی آب(رعد/۱۷)؛ سودمندی و بقای حق، مانند بقای فلزات زیبا و سودمند، پس از گداخته‌شدن(رعد/۱۷)؛ دین، از جهت زنده کردن قلب‌ها، مانند آب باران(بقره/۱۹)؛ نور خدا، مانند چراغدانی دارای چراغ، در میان آبگینه بلورین و مانند ستاره‌ای درخشان(نور/۳۵).</p>		
<p>ناپایداری ادعای ایمان منافقان، مانند روشنایی آتش ناپایدار(بقره/۱۷)؛ باطل، مانند کف روی سیلاب(رعد/۱۷)؛ باطل، همچون کف فلز گداخته(رعد/۱۷)؛ ناپایداری زندگی دنیا، مانند ناپایداری منافع آب باران(یونس/۲۴ و کهف/۴۵ و حدید/۲۰)؛ زندگی دنیا به بازی و سرگرمی(عنکبوت/۶۴)؛ بی‌ارزشی امور دنیا و فریبندگی آن، مانند کالای فریبنده(آل‌عمران/۱۸۵)؛ کفر، مانند باد داغ(فاطر/۲۱)؛ قرآن برای منافقان به سان بارانی همراه با رعد و برق در شبی تاریک(بقره/۱۹)؛ ضعف و ناتوانی معبودان باطل، در مقایسه با خداوند، مانند بردگان در برابر مولای‌شان(روم/۲۸)؛ تشبیه ناتوانی معبودان باطل در مقایسه با خدا، به لالهایی مادرزاد نیازمند به سرپرست(نحل/۷۶)؛ درخواست از خدایان دروغین، مانند دست دراز کردن انسان تشنه‌کام به طرف آب، از راه دور و نرسیدن به آن(رعد/۱۴)؛ دشواری راه‌یابی گمراهان حق‌ناپذیر به اسلام، مانند دشواری بالا رفتن به آسمان(انعام/۱۲۵)؛ شرک به خدا، همچون فروافتادن از آسمان و ریوده شدن به وسیله پرنده‌گان شکاری یا فروافتادن به جای دوردست، به وسیله باد(حج/۳۱)؛ کفر، چون باد داغ آزاردهنده ناراحت‌کننده(فاطر/۲۱)؛ مثل تکذیب کنندگان آیات مانند سگ که زبانش همیشه از دهانش بیرون است(اعراف/۱۷۶).</p>	باطل	
<p>حوریان بهشتی در سفیدی، همچون تخم شترمرغ پنهان‌مانده در زیر بال(صافات/۴۸ و ۴۹)؛ حوریان بهشتی مانند مرجان(رحمان/۵۸)؛ حوریان بهشتی، مانند مروارید در صدف(واقعه/۲۲ و ۲۳)؛ زیبایی زنان بهشتی، مانند یاقوت(رحمن/۵۸)؛ غلمان بهشتی، همچون مروارید پراکنده(انسان/۱۹)؛ و مروارید نهفته(طور/۲۴).</p>	پاداش	
<p>آب داده شده به جهنمیان، همچون فلز(کهف/۲۹)؛ رنگ شراره‌های آتش جهنم، مانند شتران زردرنگ(مرسلات/۳۲)؛ نابودی اعمال مجرمان در قیامت با فرمان الهی، همانند ذرات غبار پراکنده در هوا(فرقان/۲۲ و ۲۳)؛ پراکندگی انسان‌ها در قیامت، مانند پروانه‌های پراکنده در هوا(قارعه/۴)؛ منظره رستاخیز آدمیان، مانند ملخ‌های پراکنده(قمر/۷)؛ حالت مردم در آستانه قیامت از شدت ترس و هراس، مانند حالت مستان(حج/۲)؛ از سروصدا افتادن مردم شهرهای عذاب شده با عذاب استیصال،</p>	عذاب	۴. قیامت

مانند آتش خاموش و بی فروغ (انبیا/۱۵)؛ برخاستن رباخواران از گورها در قیامت، به مثابه برخاستن آشفته دیوانه شده به دست شیطان (بقره/۲۷۵)؛ زشتی شکوفه درخت زقوم، مانند سرهای شیطان‌ها (صافات/۶۵)؛ میوه درخت زقوم، مانند فلز مذاب و جوشان در درون دوزخیان (دخان/۴۳-۴۵)؛ سیاهی صورت گناهکاران در قیامت، همچون پاره‌ای از شب تاریک (یونس/۲۷)؛ حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم، همچون شتران تشنه (واقعه/۵۵)؛ آب داده شده به جهنمیان، مانند فلز گداخته (کهف/۲۹)؛ کافران در قیامت مانند کاه جویده شده (فیل/۵).

تحلیل داده‌های ادبی تشبیهات و مثل‌های قرآنی

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾ (کهف/۵۴) بی‌تردید در این قرآن از هرگونه مثلی برای مردم بیان کردیم. با بیان این مقدمه، می‌توان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تشبیهات و مثل‌های قرآنی را در موارد زیر برشمرد:

رعایت تنوع در تشبیه

اولین اصل، اصل «تنوع» در تشبیهات و مثل‌های قرآنی است. توضیح آنکه قرآن در کاربرد شیوه‌ها و سبک‌های ارائه محتوا، از الگوهای متنوع زبان و ادبیات بهره برده است. استفاده از طرح پرسش، داستان، خطابه، هشدار، تشبیهات و مثل‌ها، نمونه‌ای از رویکردهایی است که در انتقال محتوای قرآنی به کار گرفته شده است. این تنوع سبک، محتوا و ساختار، در بخش مثل‌ها و تشبیهات نیز رعایت شده است. در بخش محتوایی، همان‌گونه که از جدول توصیفی کدهای باز مشخص است، تنوع محتوا در ابعاد مختلف امور مادی، معنوی، معرفی اشخاص و عناوین بکارگرفته شده است. در بخش سبک‌شناسی نیز قرآن از انواع سبک‌های ادبی در این زمینه استفاده کرده است. گاهی قالب ادبی را به شیوه مثلی تفصیلی و داستان گونه بیان نموده و گاهی به استفاده از تشبیه در قالب مشبه و مشبه‌به و وجه شبه اکتفا نموده است و گاهی ایجاز را در بالاترین حد خود بکارگرفته و آوردن ادات تشبیه را هم لازم نمی‌داند. در بخش ساختارشناسی تشبیهات و مثل‌ها نیز، گاه یک مشبه‌به را برای توصیف دو امر متفاوت بکار می‌برد مانند واژه چراغ برای توصیف پیامبر و ستارگان آسمان و نور خداوند؛ و گاه یک امر واحد را به نمونه‌های مختلف توصیف و تشبیه می‌نماید مانند تشبیه زمین به بستر و گهواره و فرش. هرچه هست این رعایت تنوع در محتوا، سبک و ساختار ادبی تشبیهات و مثل‌ها، نشان‌دهنده توجه قرآن به تأثیر کلام و محتوا بر مخاطب و توجه به ابعاد روان‌شناختی انسان است.

تناسب تشبیه با مخاطب

اصل دوم، اصل «مخاطب‌شناسی» در تشبیهات و مثل‌های قرآنی است. با نگاه به جدول ماتریکس و درصدی و نمودار مکس مپ، فراوانی مشخص می‌شود، این است که کاربرد موارد منفی در قالب تشبیه و مثل‌ها، به صورت معناداری از موارد مثبت بیشتر است. فراوانی و درصد اشخاص و عناوین «بد» نسبت به اشخاص و عناوین «خوب» و رفتارهای «منفی» نسبت به رفتارهای «مثبت» در بخش انسان، بخش مربوط به توصیفات «باطل» نسبت به «حق» در بخش امور اعتقادی و پرداختن به موارد «عذاب» نسبت به «پاداش» در بخش تشبیهات و مثل‌های مربوط به امور قیامت، مؤید این موضوع است. یقیناً چنین رویکردی در قرآن بدون حکمت و علت نیست و خود قرآن، با تعبیر ﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (ملئده/۱۰۳)؛ ﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (انعام/۳۷)؛ ﴿لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (حشر/۲۱) و ﴿هُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (نمل/۵۰) پرده از حکمت و فلسفه تفاوت میزان و فراوانی تعبیر برداشته است.

تناسب واژگان با مضمون تشبیه

اصل سوم، اصل «واژگان‌شناسی» در تشبیهات و مثل‌های قرآنی است. قرآن در کاربرد واژگانی که در جهت مثبت و منفی و در ترسیم افق‌های ادبی و تربیتی بکار برده، ظرافت خاصی را رعایت نموده است. واژگانی مانند آب، باران، نور، چراغ، لباس، انسان، بینا، بذر، درخت پاک و ریشه‌دار، لؤلؤ و مرجان و یاقوت و مروارید، کلماتی است که در تشبیهات مثبت از آن‌ها استفاده شده و در مقابل از الفاظ چهارپا، الاغ، سگ، دریای طوفانی و متلاطم، سراب، انسان نابینا، کور و کر، محتضر، چوب خشک، شب طوفانی، خوردن گوشت مرده، برادر شیطان، محصول بی‌برکت، آتش ناپایدار، کالای فریبنده و موارد مشابه برای ترسیم تشبیهات و مثل‌های منفی استفاده نموده است. به عبارتی، در کاربردهای ادبی خود با انتخاب نوع واژگان و کلمات، احساس مخاطب را نیز درگیر نموده و از این طریق به تشبیهات و مثل‌ها، غنا می‌بخشد. خاصیت اثرگذاری تکرار در ذهن مخاطب آن‌چنان است که می‌توان بزرگ‌ترین دروغ‌ها را به راحتی از طریق تکرار متناوب، امری تلقین‌پذیر و واقعی جلوه داد. همین موضوع در اصل واژگان‌شناسی تشبیهات و مثل‌های قرآنی دیده می‌شود. به عنوان مثال، وقتی قرآن می‌خواهد وضعیت کافران و اعمال آن‌ها را ترسیم نماید، به صورت متناوب از واژگانی بهره می‌برد که مفهوم بی‌نتیجه و بی‌ثمر بودن را به مخاطب القا می‌نماید. به عبارتی، قرآن از این طریق هدف تربیتی خود که شرط لازمه تعالی انسانی، یعنی توحید است را با بی‌نتیجه بودن اعمال کافران، به ترسیم می‌کشد.

تناسب تشبیه با زمان

اصل چهارم، اصل «زمانه‌شناسی» در تشبیهات و مثل‌های قرآنی است. از یک طرف، قرآن کتابی است که محدود به عصر و زمانه‌ی خاصی نبوده و برای تربیت تمامی انسان‌ها در تمام تاریخ است و از طرف دیگر کتابی است که در زمانه‌ی خاص و محدوده‌ی مکانی خاصی نازل شده است. از همین رو گرچه بسیاری از تشبیهات و مثل‌های قرآنی تعبیری عام هستند و برای هر نوع مخاطبی، ایجاد ارتباط و تعامل می‌نماید اما برخی تعبیر آن، نشان از زمان‌شناسی نزول قرآن دارد. کاربرد مثل‌هایی در رابطه با برده‌داری یا تعبیری مثل نخل و کشت و محصول، مواردی هستند که گرچه در تاریخ انسانی، وجود داشته و تکرار می‌شوند اما در زمانه‌ی نزول قرآن بیشتر مورد توجه بوده‌اند. این زمانه‌شناسی قرآن، جریان تربیت و اثرگذاری محتوا را عمیق‌تر می‌کند و ارتباط‌گیری مخاطب با متن را بیشتر برقرار می‌نماید.

باطل‌شناسی تشبیه

اصل پنجم، اصل «باطل‌شناسی» در تشبیهات و مثل‌های قرآنی است. قرآن در آیات متعدد بیان می‌کند که بسیاری از تشبیهات و همانندی‌ها از منظر قرآن و نگاه دینی، باطل بوده و استناد به آن، اشتباه است و این تصورات غلط در ذهن انسان‌ها می‌بایست اصلاح گردد. در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی نحل آمده است که ﴿أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل/۱۷)؛ آیا کسی که خلق می‌کند مانند کسی است که خلق نمی‌کند. قرآن با آوردن این تعبیر و تعبیری مشابه، خط بطلانی بر جریان شناسی همانندنگاری امور نامشابه می‌کشد و به عبارتی، جریان‌شناسی تشبیهات و مثل‌های درست را به مخاطب، گوشزد می‌نماید. برای نمونه از عالم بی‌عمل، از تعبیر «الاعی که فقط بار کتاب بر پشت خود دارد»، استفاده می‌کند، تعبیری که عقل و دل انسان‌های بیدار، به حقانیت و درستی آن، معترف است و همانند بودن خالق اصلی و خالقان دروغین را زیر سؤال می‌برد و ذهن مخاطب را به بطلان این همانندنگاری در قدرت و خلقت دعوت می‌نماید. در حقیقت، این وجوه، دو روی یک سکه هستند و آن‌هم کاربرد درست تشبیه و مثل به‌گونه‌ای که وجدان بیدار انسانی، حقانیت آن را پذیرا باشد.

فراتحلیل تربیتی برای دروس ادبی

خداوند، هدف از آوردن مثل‌ها و تشبیهات قرآنی را تفکر و تعقل انسان‌ها دانسته است ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (حشر/۲۱) و مثل‌های قرآنی را موعظه می‌داند ﴿وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (نور/۳۴). این امر به‌وضوح به رشددهی قرآن با استعانت از اسلوب ادبی، برای دستیابی به

اهداف والای تربیتی، دلالت می‌کند. با این مقدمه، استنباط دلالت‌های تربیتی برای دروس ادبی به شرح زیر می‌باشد:

۱. فارغ از این‌که هدف تربیتی چه باشد و چگونه می‌توان از طریق مثل و تشبیه به آن دست‌یافت، نکته مهمی که باید بدان توجه نمود، اثبات این مدعا است که جریان تربیت، تنها در دروسی خاص اتفاق نمی‌افتد و بستر و محیط و فضای کلاس‌های ادبی نیز می‌تواند جایگاه مناسبی برای دعوت به تعالی روح فراگیران باشد. مضامین ادبی به سبب بُعد زیبایی‌شناسی و فضای خیال‌انگیزی که برای مخاطب ایجاد می‌کند، این امکان را برای معلمان فراهم می‌کند تا ضمن بیان محاسن و زیبایی‌های متن ادبی، مضامین و محتوای تربیتی هم‌راستا با ساحت زیبایی‌شناختی را نیز بیان کنند. این نگاه، موجب می‌شود حس زیبادوستی نسبت به خوبی‌ها و در نقطه مقابل، ایجاد انزجار و نفرت نسبت به بدی و زشتی، درونی‌سازی شود و فراگیران صرفاً به زیبایی الفاظ و واژگان، بسنده نمایند. برای مثال، آنان باید به این درک برسند که خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.

۲. نکته دومی که در فراتحلیل تربیتی، در دروس ادبی باید بدان‌ها توجه نمود این است که کلاس‌های ادبی بایستی با الگویی از فضای ترسیم شده توسط منابع دینی و به‌ویژه قرآن و اصولی که این منابع در کاربردهای ادب‌شناسی خود رعایت می‌نمایند بهره‌برده تا تربیت از طریق عناصر ادبی و به‌ویژه مثل‌ها و تشبیهات، غنای لازم را داشته باشد. اصل «تنوع»، «مخاطب‌شناسی»، «واژگان‌شناسی»، «زمانه‌شناسی» و «باطل‌شناسی» اصولی هستند که قرآن در کاربرد مثل‌ها و تشبیهات بدان‌ها عنایت داشته است. این اصول در هر دوره‌ی زمانی به شکلی متفاوت، خود را نمایان می‌کند. به عبارت واضح‌تر مصادیق تنوع در هر دوره به شکلی خاص است و مخاطب هر دوره‌ی زمانی، ویژگی‌های خاص خود را دارد و واژگان مناسب برای کاربرد در جریان تربیت از طریق عناصر ادبی، در هر دوره شامل کلیدواژه‌های متفاوتی است و زمانه‌شناسی در هر عصر و متناسب با زمانه بودن در هر دوره معنا و مصادیق خاص خود را دارد و در نهایت، مصادیق باطل و لزوم شناخت آن برای نسل‌های مختلف، متفاوت است.

۳. ادب و هنر با نیروی خیال انسان در ارتباط است. نیروی خیال می‌تواند از طریق آثار ادبی و هنری پرورش یابد. این بعد انسانی در جای خود بسیار مفید است هرچند اگر مدیریت نشود و جهت‌گیری لازم را پیدا نکند، به‌شدت انسان را به‌زحمت می‌اندازد. به عبارتی، باید متوجه بود خیال را از صحنه زندگی بیرون نکرد، ولی باید آن را پاک نگه داشت (طاهرزاده، ۱۳۹۳: ۶۸). تشبیه و مثل از جمله عناصر ادبی است که با نیروی خیال انسان، ربطی مستقیم دارد و می‌تواند در تربیت آن مؤثر افتد، البته این بدان شرط است که ابزار ادبی در راستای هدف تربیتی بکار گرفته شود وگرنه همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اگر ادب از تربیت خالی باشد نه‌تنها به تعالی انسان کمک نمی‌کند، بلکه انسان را با خیالی تربیت‌نیافته مواجه می‌سازد که آدمی را به مشقت انداخته و حتی می‌تواند

مانع رشد و رسیدن به جایگاه شایسته انسانی شود. نتیجه اینکه، عنصر ادبی و به‌ویژه تشبیه و مثل می‌تواند در راستای تربیت یکی از قوای اصلی انسان، یاری‌رسان باشد و همچنین خیال تربیت‌یافته بهتر می‌تواند با ادب و ادبیات و هنر ارتباط برقرار کرده و از آن در راستای تربیت انسانی بهره‌بردار.

۴. اسلام، انسان را تک‌بعدی و تک‌ساحتی نمی‌نگرد، بلکه آن را به‌عنوان یک کل واحد می‌شناسد. انسان جامع، انسانی است که سعی می‌کند تمام ابعاد وجودی‌اش رشد کند (همان: ۲۹). ابزار این مهم، تنها بهره‌گیری از قالب‌های کلیشه‌ای تربیت نیست. تربیت، آن زمانی موفق‌تر است که به‌جای مضامین مستقیم، از روش‌های غیرمستقیم بهره‌بردار. این ابزار در قالب عناصر ادبی و از جمله مثل‌ها و تشبیهات نهفته است. به عبارتی، تربیت توحیدی، عقلانی، اجتماعی، سیاسی، علمی و حتی تربیت زیستی و اقتصادی می‌تواند از طریق ابزار هنر و ادب و در قالب مضامین مثل و تشبیه به مخاطب انتقال یابد و به سبب اینکه در کاربرد آن به‌جای شیوه مستقیم از راه غیرمستقیم بهره‌بردار شده، سبب می‌شود در لایه‌های عمیق‌تری از دریافت‌های انسانی قرار گیرد. پس استفاده از مثل و تشبیه و دیگر عناصر هنری و ادبی در راستای تربیت تمام‌ساحتی، توصیه‌ای است که معرفت‌شناسی تربیتی عصر حاضر بدان اذعان داشته و توقع محققین و برنامه‌ریزان و الگوپردازان گفتمان‌های تربیتی این است که کلاس‌های ادبی، جریان‌ی پویا برای اهداف تربیت تمام‌ساحتی باشند و نه فقط تربیت بعد هنری و قوه خیال مخاطبان.

۵. قرآن در بخش عمده‌ای از مضامین بکار گرفته شده در قالب مثل و تشبیه، برای بحث ترسیم قیامت و فضای مربوط به عذاب و پاداش آن بهره‌بردار است. این الگو یعنی کاربرد مضامین متعالی و ماورایی و ناشناخته در قالب مضامین ملموس و قابل شناخت، می‌تواند ذهن مخاطب را در راستای آشناسازی با ابعاد دور از دسترس ذهنی آماده نماید. البته هدف این امر تنها برای آشناسازی و ایجاد معرفت صرف نیست بلکه این رهگذر فراهم می‌شود تا مخاطب در جریان تربیت دست به انتخاب بزند و ندانستن را بهانه عمل نکردن قرار ندهد. همین موضوع در اصل کاربرد و هدف خود می‌تواند الگویی مناسب برای تربیت از طریق هنر و ادب باشد؛ یعنی از طریق تشبیهات و مثل‌ها به شیوه راحت‌تری می‌توان مضامین دور از دسترس و معنایی را به مخاطب در سنین مختلف و متناسب با ذوق و سطح فکر او منتقل نمود و از این رهگذر جریان تربیت را تسهیل کرد. مشکلی که گاه مریبان تربیتی با آن مواجه هستند و در برابر پرسش‌های مربوط به مضامین ماورایی اغلب با بن‌بست مواجه می‌شوند؛ از طریق کاربرد ساده تشبیهات و مثل‌ها قابل حل و رفع خواهد بود.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق در پاسخ به پرسش اول تحقیق یعنی: گونه‌ها و دسته‌بندی‌های مثل‌ها و تشبیهات، در آیات قرآن چیست؟ حاکی از آن بود که چهار گونه در بخش کدگذاری باز تشبیهات و مثل‌ها در

مورد «انسان»، «علوم»، «اعتقادات» و «قیامت» وجود دارد. سه گونه انسان، امور اعتقادی و قیامت در بخش کدگذاری محوری به دو بخش تقسیم شدند. گونه «اشخاص و عناوین» و «رفتارها» در بخش انسان. گونه‌های «حق» و «باطل» در بخش گونه اعتقادی و گونه‌های «پاداش» و «عذاب» در بخش گونه قیامت مورد تفکیک و دسته‌بندی قرار گرفتند.

نتایج تحقیق در پاسخ به پرسش دوم یعنی: آیا برای هرگونه مثل و تشبیه در قرآن، توصیف یا توصیفات خاصی وجود دارد و مدل‌نهایی در هر بخش به چه شکل است؟ حاکی از ۱۱۲ مورد کدگذاری باز در بخش توصیف گونه‌ها و مدل‌یابی مربوط به هرگونه می‌باشد که در جدول توصیفی به تفکیک بدان‌ها اشاره شده است. بر اساس جدول ماتریکس و درصدی، در بخش کدگذاری باز، بیشترین فراوانی مربوط به تشبیهات و مثل‌های مربوط به اشخاص و عناوین بد و بعد از آن مربوط به تشبیهات و مثل‌های مربوط به امور باطل و عذاب‌های در قیامت می‌باشد.

نتایج تحقیق در پاسخ به پرسش سوم تحقیق یعنی: دلالت‌های ادبی و تربیتی مستخرج از تبیین عناصر ادبی (مثل و تشبیه) در قرآن برای دروس تخصصی چیست؟ حاکی از پنج اصل «تنوع»، «مخاطب شناسی»، «واژگان شناسی»، «زمانه شناسی» و «باطل شناسی» در بخش اصول ادبی مستخرج از تشبیهات و مثل‌های قرآنی بوده و در بخش فراتحلیل تربیتی پنج نکته اساسی تربیتی استخراج گردید که به‌طور خلاصه اشاره به تربیت از طریق عناصر ادبی، رعایت اصول ادبی در تربیت از طریق عناصر هنری و ادبی، پرورش بعد خیال و محافظت از آن از طریق مراحل قبل، توجه به تربیت تمام‌ساحتی از شاهراه هنر و ادب و در نهایت، تربیت در جهت امور ماورایی و معنایی و متعالی از مسیر کلاس‌های ادبی می‌باشد.

در نهایت، محققان پیشنهادات زیر را برای بهتر شدن فرایند تربیت از طریق هنر و ادبیات در کلاس‌های مربوط به این دروس را دارند:

۱. ایجاد محتوای مناسب تربیتی در متون نگارش شده‌ی ادبی البته نه به‌عنوان بخشی منفک و ناهم‌ساز با محتوای ادبی بلکه در ضمن آن و از طریق آن.
۲. توجه و اهتمام به بحث تربیت معلمان کارآموده در راستای تربیت تعالی‌بخش و تمام‌ساحتی به‌عنوان الگوی تربیتی تمامی معلمان در همه دروس و نه فقط دروس خاص مربوط به تربیت.
۳. ایجاد فضا و بستر مناسب جهت فعالیت دوجانبه معلم و متعلم از طریق فرصت‌آفرینی و کاهش حجم داده‌های انتقالی در دروس ادبی و تأکید بیشتر بر غنای محتوا در مقابل فراوانی محتوا.

فهرست منابع

- آبزن، امین؛ حافظی، شهرام، و غلامی، عبدالخالق (۱۴۰۱)، طراحی و اعتبارسنجی الگوی مرشدیت سازمانی در سیستم آموزش عالی، انجمن علوم مدیریت ایران، ۱۷(۶۶)، ۹۵-۱۲۲.
- ابن منظور، محمد ابن مکرم (۱۳۷۵)، لسان العرب، بیروت: دار بیروت.

- حسنی، محمد و صادق زاده قمصری، علیرضا (۱۴۰۰)، تبیین فلسفه تربیت رسمی و عمومی (تربیت مدرسه‌ای) در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی دولت‌آباد، حکیمه و دوستکان، فاطمه (۱۴۰۱)، پژوهشی در تقابل مثل‌های رایج عصر حاضر با قرآن کریم، قرآن، فرهنگ و تمدن: ۸-۲۷.
- زارعی رضایی، محمدحسین و همکاران (۱۴۰۰)، تبیین تربیتی مثل‌های قرآنی، سومین کنفرانس بین‌المللی توسعه و ترویج علوم انسانی و مدیریت در جامعه.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۳۹۵)، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، تهران: امیرکبیر.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۲)، انسان از تنگنای بدن تا فراخنای قرب الهی، اصفهان: لب‌المیزان.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۳)، ادب عقل، قلب، خیال، اصفهان: لب‌المیزان.
- عابدی، حیدر علی (۱۳۸۹). کاربرد روش تحقیق پدیده‌شناسی در علوم بالینی. راهبرد. ۱۹ (۵۴): ۲۵۴-۲۰۷.
- لطیفی، میثم (۱۳۹۷)، روش‌شناسی گونه‌شناسی: رهنمونی بر نظریه‌پردازی در دانش مدیریت، مطالعات مدیریت دولتی ایران، ۱(۲)، ۲۵-۵۲.
- النحلاوی، عبدالرحمن (۱۳۹۴)، مثل‌های قرآنی با رویکرد تربیتی، ترجمه ابراهیم مرادی، تهران: نشر احسان.
- هاشمی، احمد (۱۳۸۶)، جواهرالبلاغه، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- Abdullah, N. Abd Rahman, L. & Muhammad Rosli, M. M. (2022). Analisis Tinjauan Literatur Sistematis Berkaitan Al-Ijaz dan Al-Itnab dalam Al-Quran: A Systematic Literature Review: Analysis on Rhetorical Figures of Quranic Brevity and Verbosity. 'Abqari Journal, 27(1), 176-192.
- Bandura, A. (1986). Social foundations of thought and action: A social cognitive theory. Englewood Cliffs, NJ, US: Prentice-Hall, Inc.
- Corbin, J.& Strauss, A. (1990). Qrounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria Qualitative Sociology 13(1), 3-21.
- Hafiz Muhammad Zafar Siddique, & Muhammad Nadeem. (2024). The Quranic Rhetoric and Farazdaqh's Poetry. Al-Mahdi Research Journal (MRJ), 5(3), 862-878. Retrieved from
- Toorang, M. B. & Jamdaqi, E. (2018). Quranic Revelations and Mystical Allegory. *Comparative Theology*, 9(19), 107-122. doi: 10.22108/coth.2018.80100.0
- Langdrige, D. (2007). Phenomenological psychology: Theory, research and method. London: Person Education Limited.
- Muhammad Nasir Mustafa. (2022). LITERARY INFLUENCES OF THE HOLY QURAN. AL-DURAR, 1(02), 1-16. Retrieved from.
- Valipour Qaraqeh, H. & Julaei, A. (2020). Reading the stories of the Quran with the terminology approach of fiction literature. *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 4(1), 161-187. doi: 20.1001.1.26455714.1399.3.2.10.2.